

شهر خرس‌ها

فردریک بکمن

ترجمه سبا هاشمی‌نسب



چترنگ

بنگ - بنگ - بنگ - بنگ - بنگ.

جمعهٔ اوایل ماه مارس در شهر بیورنستاد^۱ است و هنوز اتفاقی نیفتاده. همه منتظرند. فردا تیم جوانان باشگاه هاکی روی یخ بیورنستاد، در نیمه‌نهایی بزرگ‌ترین مسابقات جوانان در کشور بازی می‌کند. چنین چیزی چقدر مهم است؟ مطمئناً بیشتر جاها چندان مهم نیست؛ اما بیورنستاد مثل بیشتر جاها نیست.

بنگ. بنگ. بنگ - بنگ - بنگ.

شهر زود بیدار می‌شود، مثل هر روز. شهرهای کوچک اگر بخواهند اقبالی در جهان داشته باشند، باید زود بجنبند. ماشین‌هایی که ردیف‌به‌ردیف در پارکینگ بیرون کارخانه ایستاده‌اند، از حالا پوشیده از برف‌اند. مردم با چشم‌های نیمه‌باز و ذهن‌های نیمه‌بسته، در سکوت صف کشیده‌اند و منتظرند تا کارت‌های الکترونیکی‌شان حضورشان را به ماشین کارت‌زنی اعلام کند. با به زمین کوبیدن چکمه‌هایشان، گل‌وشل را از آن می‌زدایند و با چشمان

۱. Björnstad: به معنای «شهر خرس» است.